

یادداشت

کاهش ارزش پول، فرصت توسعه صادراتی اقتصاد ایران



علی قنبریی

● از دیدگاه طرفداران تجارت بین‌المللی، گسترش مبادلات خارجی یکی از جدی‌ترین راهبردهای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود که در ادبیات بازرگانی بین‌المللی این رویکرد را سیاست برون‌گرا یا گسترش صادراتی نامیده‌اند. با توجه به در حال‌توسعه‌بودن اقتصاد کشور و همچنین اسناد بالادستی کشور در زمینه توسعه صادرات و سیاست‌های مبتنی بر جایگزینی واردات، علاوه‌بر این شرایط تحریم اقتصادی و کاهش قیمت نفت که موجب کاهش درآمدهای ارزی کشور شده است، امروز بیش از هرروز دیگری گسترش صادرات، مهم و اساسی به‌نظر می‌رسد و باید سیاست‌های برون‌گرای اقتصادی مدنظر متولیان اقتصاد کلان کشور قرار گیرد. برخی بررسی‌های علمی و اقتصادی در زمینه وضعیت صادرات و واردات کشور نشان می‌دهد که شرط مارشال لرنر برای ایران برقرار نیست یعنی، محاسبه مجموع حساسیت تقاضا و عرضه ارز کمتر از واحد باشد، به این خاطر بازار ارز در ایران از ثبات نسبی برخوردار نیست. بنابراین سیاست کاهش ارزش پول که یکی از رایج‌ترین سیاست‌های جهانی برای بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها در کشورهاست و درواقع صادرات آنها را افزایش و واردات آنها را کاهش می‌دهد، در ایران صادق نیست. یعنی وقتی ارزش پول داخلی کاهش پیدا می‌کند، منجر به هجوم سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش واردات سایر کشورها از ایران نخواهد شد. در نتیجه اینگونه تحلیلی، هرگونه سیاستی که مستقیم یا غیرمستقیم منجر به کاهش ارزش پول داخلی شود، منجر به دامن‌زدن به بی‌ثباتی بیشتر ارزی و همچنین رکود بیشتر اقتصادی می‌شود؛ پدیده‌ای که در دولت‌های نهم و دهم بسیار شاهد آن بودیم و منجر به کاهش قدرت خرید مردم در حدود یک‌سوم قبل شد. اما از طرفی دیگر با نگاهی به نمودار روند صادرات و واردات در دههٔ ۹۰ می‌بینیم که همزمان با افزایش نرخ ارز و پس از اجرای سیاست نرخ ارز شناور مدیریت‌شده از سال ۱۳۸۱، روند صادرات و واردات به‌صورت همگرا درآمد تا جایی که در سال۱۳۸۹این دونمودار یکدیگر را قطع کرده‌اند. پس در عمل شاهد آن هستیم که کاهش ارزش پول منجر به افزایش صادرات شده تا زمانی که در نیمه دوم سال۱۳۸۹ و با گسترش شکاف میان نرخ ارز رسمی و غیررسمی، اقتصاد ایران عملا به نظام ارزی دوترخ‌ بازگشت. همانطور که در نمودار شاهدیم، دوترخ‌شدن ارز مصادف با تقاطع صادرات و واردات کشور در تاریخ مذکور است که نشان می‌دهد حجم مبادلات خارجی کشور متأثر از نرخ ارز است و افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات کشور شده است.

شاید ریشه این موضوع به بحث مطرح‌شده توسط دوربنوش (۱۹۸۸) اقتصاددان معروف، برگردد. وی معتقد است برقراری شرط مارشال لرنر به ظرفیت اقتصادی کشور برای افزایش عرضه و تولید کشور برای پاسخگویی به نیازهای خارجیان جهت افزایش صادرات بستگی دارد. نهایتاً باید گفت با توجه به روند افزایش صادرات کشور می‌توان نتیجه گرفت که کاهش ارزش پول در کشور منجر به افزایش صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها می‌شود. بنابراین به عبارت دیگر شرط مارشال لرن می‌تواند برای اقتصاد کشور برقرار باشد. در نتیجه چنین موضوعی باید گفت اقتصاد می‌تواند با استفاده از کاهش ارزش پول خود درصدد قبضه‌کردن بازارهای کشورهای همسایه بوده و صادرات خود را گسترش دهد تا سهم بازار جهانی را به‌دست آورده و پس از آن به ارزش پولی و حفظ آن که یکی از مهم‌ترین اهداف بانک‌مرکزی است بپردازد.

«معاون وزیر جهادکشاورزی و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

گزارش

موافقت وزارت کار با ممنوعیت پرداخت غیربانکی حقوق

● **فارس:** یک نماینده کارگری با تشریح اهداف اصلی نمایندگان سه تشکل کارگری در سال ۹۴ به لزوم افزایش قدرت خرید کارگران طبق سید هزینه‌ای و رسیدن به دستمزد عادلانه اشاره کرد و گفت: با ممنوعیت پرداخت غیربانکی توسط وزارت کار موافقت شده است. فرامرز توفیقی با اشاره به اینکه نخستین نشست شوراییعالی کار در سال۹۴ می‌تواند در اردیبهشت‌ماه برگزار شود، اظهار کرد: در این نشست دو هدف اصلی از جمله رسیدن به سید معیشتی مشخص و دستمزد عادلانه مطرح خواهد شد. وی در پاسخ به این سوال که چه میزان در پایان سال ۹۳ به‌واسطه افزایش حداقل دستمزد، نیروی کار تعدیل شده است، تصریح کرد: افزایش دستمزد به حدی نبوده که نیروی کار تعدیل شود و در سال گذشته گزارش مبنی بر اخراج با توجه به افزایش دستمزد دریافت نکرده‌ایم.

ادامه از صفحه ۵

مافیا در آمریکا از شکل خشن آل‌کاپونی خارج شده و در نتیجه مقبولیت پیدا کرده است. ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و… غرب به‌شدت در حال تحول است و نمی‌توان ساختار امروزی آمریکا را با

دهه ۶۰ یا دهه ۲۰ مقایسه کرد. عصر آل‌کاپو‌ها در ساختارهای آمریکا به پایان رسیده است اما همچنان بازار، به آن بازار رقابت کاملی که در تئوری‌های نئوکلاسیک می‌بینیم نزدیک نشده است.

ک به‌رتزیب در نظام و ساخت بازار، **اتلاف و اتحادی میان بخش‌ها از فعالان بازار وجود دارد.**
اساسا مافیای اقتصادی چه تفاوتی با این پیوندها و اتلاف‌ها در ساخت بازار دارد؟

اتلاف و اتحاد شکل‌گرفته در بازار جنبه حمایتی دارد و فاقد وجوه خشونت است و در پی تحریک عوامل قدرت نیست. این اتلاف‌ها با سازمان‌های اصلی قدرت درگیر نمی‌شود و خود را بخشی از قدرت در ساخت حاکمیت می‌بیند. اتلاف در بازار با هرم قدرت هماهنگ و همسو حرکت می‌کند اما حرکت مافیا با قانون‌اساسی تضادهای آشکار دارد.

ک اگر فعالیت مافیای اقتصادی در تضاد با قانون اساسی است، چگونه وارد ساختارهای قدرت می‌شود؟ آیا نمونه‌های تاریخی در این مورد وجود دارد؟

بله. ما در ایتالیا شاهد بوده‌ایم که حتی رئیس‌جمهور با حمایت گروه‌های مافیایی قدرت را در دست می‌گیرد اما باز این ساختارهای حقوقی و قانون‌اساسی است که در برابر آن می‌ایستد. مافیا می‌تواند به ساختارهای قدرت نفوذ کند اما قانون‌اساسی نیز به‌عنوان بخش مهمی از ساختار توانایی واکنش در برابر آن را دارد. اما این مقابله در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه رخ نمی‌دهد و ساختارهای قضایی نمی‌تواند به صورت قدرتمند با آن مقابله کند.

ک آیا این قانون است که می‌تواند مافیا را در یک کشور کنترل و آن را محدود کند؟ به تعبیری آیا ضعف قانونی دلیل اصلی گسترش مافیایی است یا باید علت را در ساختارها جست‌وجو کرد؟

شکی نیست در کشورهایی که فعالیت مافیایی گسترش یافته است، ساختارها با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. ضعف‌های ساختاری موجود در این کشورها نمی‌تواند به سمت توسعه و رشد حرکت کند. این ساختارها نمی‌توانند مسایلی از قبیل انتقال تکنولوژی و فرار سرمایه را حل کنند. در نهایت در سیستم‌ها ارزش‌افزوده ایجاد نمی‌شود. به‌عنوان مثال زمانی که ورودی (input) وارد نظام سیاسی بریتانیا می‌شود، دو تا سه برابر آن ورودی، ساختارهای موجود ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند. در حالی اگر همان میزان input وارد ساختار اقتصادی پاکستان، زیمبابوه و… می‌شود، نه‌تنها ارزش‌افزوده ایجاد نمی‌کند بلکه همان input نیز به زوال می‌رود؛ یعنی در نهایت سرمایه منجر به رفاه عمومی نخواهد شد. در ایران نیز در ۱۰۰ سال گذشته وارد‌های هنگفتی از محل درآمد‌های نفتی به دست آمد اما این‌ موضوع برای مردم امنیت اقتصادی را فراهم نکرده است. مشابه همین مشکلات را در افغانستان و سودان نیز می‌بینید. در واقع ساختارهای اجتماعی و انحرافات موجود در ساختارهای اقتصادی در نقطه‌ای یکدیگر را قطع می‌کنند. باید این پرسش را طرح کرد که چه چیزی به ما این انگیزه را خواهد داد که قانون را زیر پا بگذاریم، اگر به راننده‌ای در یک کشور توسعه‌نیافته بگویید که من ۵۰۰هزار تومان به تو خواهم داد اما از تمامی چراج‌های قرمز رد شو! او این کار را خواهد کرد. اما اگر این پیشنهاد در جامعه‌ای که نظام اجتماعی مستحکمی ایجاد شده باشد راننده در ازای هیچ مبلغی این کار را نخواهد کرد.

ک تعبیر شما از نظام اجتماعی چیست؟ نظام اجتماعی به هنجارهایی بازمی‌گردد که مورد قبول جامعه است. هنجارهایی از قبیل تقلب‌کردن، نپرداختن مالیات، به‌موقع پرداخت‌کردن اجاره خانه و… درواقع هنجارچایی‌هایی است که نظام اجتماعی آن را به وجود می‌آورد. بخشی از این نظام اجتماعی، قانون‌اساسی است. بخشی از این نظام اجتماعی تولیدات تاریخی یک جامعه است که ریشه در استبداد دارد. بخشی از آن حاصل شکاف طبقاتی است و بخش دیگری از آن، نگاه ما به ساختار جامعه است. نظام اجتماعی باید بتواند برای افراد هویت ایجاد کند. اگر نظام اجتماعی بتواند نیروهای انسانی را به سرمایه اجتماعی و فرهنگی بدل کند، این افراد و افراد و فضاهای انحرافی نخواهند شد.

ک با این تفسیر شما علت اصلی شکل‌گیری مافیا را ضعف ساختارهای اجتماعی و اقتصادی می‌دانید. در این میان قانون چه نقشی را می‌تواند ایفا کند؟ در یک کشور توسعه‌یافته در بسیاری از موارد قانون در برابر این تضارض و عدم تعادل خواهد ایستاد و سعی خواهد کرد این عدم تعادل را از بین ببرد. اما زمانی که وارد کشورهای در حال توسعه می‌شوید، عدم تعادل توانایی قانون را برای حل مساله از میان خواهد برد. به‌عنوان مثال اگر مامور پلیسی حقوق مناسب سطح هزینه‌های زندگی را دریافت نکند، محکوم به شکستن قانون خواهد شد. در بسیاری از موارد این قانون‌شکنی با آگاهی صورت می‌گیرد و قوانین و هنجارهای اجتماعی و ساختارها به‌گونه‌ای شکل یافته است که این قانون نمی‌تواند

اقتصاد

تحریم‌ها مافیای اقتصادی را گسترش داده است



عکس: به توفیق رستمی، شرق

مافیا اثرگذار خواهد بود؟

در این مورد می‌توان به ضربی جینی اشاره کرد. زمانی که میزان ضربی جینی افزایش می‌یابد، عملا میزان تضاد در جامعه را بیشتر می‌کند. ضربی جینی گویای شکاف طبقاتی و نشان‌دهنده این است که دهک‌های پایین جامعه درحال تضعیف‌شدن هستند. این دهک‌های ضعیف جامعه ممکن است در خدمت مافیا قرار بگیرند.

ک بازار سیاه به‌عنوان بازاری که مافیا در آن به فعالیت می‌پردازد واجد چه مشخصاتی است؟ به‌طورکلی بازار سیاه در جوامعی شکل می‌گیرد که دولت نمی‌تواند کنترل لازم را بر ساختارهای اقتصادی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال اگر ۵۰ اسکله یا چند مرز زمینی برای ورود کالا در کشوری وجود داشته باشد و دولت نتواند تمامی این بخش‌ها را به صورت کامل و منسجم اداره کند. اگر بخواهیم این بحث را در ایران دنبال کنیم به‌دلیل تحریم‌ها، الگوی بی‌رویه مصرف و درآمد‌های نفتی همواره بیش از ظرفیت خود واردات داشته‌ایم. این شرایط انگیزه کشورهای دیگر را برای به دست آوردن سهم بیشتری از بازارهای ایران افزایش داده است.

ک مافیای اقتصادی تنها به مرزها و شرکت‌های واردکننده قاچاق محدود نمی‌شود. این مافیا در داخل اقتصاد ایران نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال ما در داخل با مافیای بزرگ خریدوفروش محصولات کشاورزی با انبارداری روبه‌رو هستیم. این مافیای اقتصادی چگونه ایجاد شده است؟

این مافیایی که شما از آن صحبت می‌کنید، محصول سوم‌مدیریت در رفتار سازمانی است؛ به‌عنوان مثال سیستم پخش دارو نمی‌تواند توزیع و نظارت کافی داشته باشد، در نتیجه داروخانه برای اطمین الگوی مصرف مشتری، بخشی از داروی خود را از بازار سیاه تأمین می‌کند. در این شرایط این داروخانه از پخش رسمی دولت تغذیه نمی‌شود. درواقع در کنار کانال‌های توزیع کالا، کانال‌های غیررسمی نیز ایجاد می‌شود.

ک شما به واسطه‌های اقتصادی اشاره می‌کنید. آیا اساسا دخالت دولت و الگوی نظارت و کنترل بازار و اقتصاد، منجر به افزایش واسطه‌های اقتصادی و ناکارآمدی آنها نشده است؟ اگر ساختاری وجود داشته باشد که عرضه و تقاضا به صورت مستقیم با یکدیگر مواجه شوند دیگر بحث سوءمدیریت سازمانی برای توزیع موضوعیت نخواهد داشت. آیا نمی‌توان پذیرفت اقتصاد دولتی و دخالت دولت در اقتصاد به‌دلیل مکانیسم‌های الزام‌آور آن در نهایت به گسترش مافیا منتهی می‌شود؟

اساسا فساد عنصر غیرقابل نفی در یک اقتصاد دولتی است. اقتصاد دولتی با فساد و رشوه کاملاً عین شده است. اقتصاد دولتی به‌طور کلی آن تعادل‌های اولیه در اقتصاد را به‌هم می‌ریزد. اقتصاد دولتی به‌دلیل بوروکراسی‌ای که در دل خود دارد تعادل‌های عرضه و تقاضا را به‌هم می‌ریزد. مهم‌ترین کار در عرصه اقتصاد ایجاد تعادل عمومی میان عرضه و تقاضا در بازارهای مختلف است. این تعادل برای طبیف گسترده‌ای از کالا باید ایجاد شود

و به‌طور قطع این تعادل به وسیله اقتصاد دستوری ایجاد نخواهد شد. این عدم تعادل در اقتصادهایی که شفافیت و آمارهای لازم را در اختیار ندارد و اطلاعات و جریان اطلاعات در آن صورت نمی‌گیرد شدت می‌یابد. سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بیشتری را در این اقتصادها بازی کنند. به‌طور طبیعی اگر در اقتصادی منابع و اطلاعات مختلف درخصوص فعالیت‌های مختلف اقتصادی منتشر شود و شفافیت اطلاعاتی صورت بگیرد، فعالیت سازمان‌های مافیایی با محدودیت روبه‌رو خواهد شد.

ک سهم بازار سیاه و اقتصاد زیرزمینی از اقتصاد ایران چه میزان است؟

اطلاعات منسجمی در این خصوص در دسترس نیست. اما اگر بخواهیم خوشبینانه برخورد کنیم، حدود ۳۰ درصد است اما این میزان تا حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد نیز تخمین زده می‌شود. حدود ۲۵ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود که از کانال‌های رسمی عبور نمی‌کند. باید توجه داشت سهم مافیای اقتصادی در کشور بیش از اینهاست چراکه در داخل کشور نیز سهم بزرگی را در اختیار دارد.

ک اگر به تاریخ سیاسی و اقتصادی کشور نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد که مافیای اقتصادی دارای یک سبقه تاریخی است. به‌عنوان مثال یکی از اعتراضات اولیه مشروطه‌خواهان برداشته‌شدن انحصار عسکرگاری چی بوده است. این تاریخ، چه نقشی را در ایجادشدن مافیای اقتصادی داشته است؟

همواره و در طول تاریخ کاهش و ناپای‌کردن کالا در بازار به‌صورت مصنوعی از سابقه‌ای تاریخی برخوردار است. اما به‌صورت عمده احتکار از قرن‌های ۱۵ و ۱۶ به این سو است که به بخشی از کنش‌های معاملات تجاری تبدیل می‌شود. در آن زمان کندم را احتکار می‌کردند و آن را قیمت‌های بالاتر می‌فروختند. متأسفانه این نگرش در طول تاریخ تکامل‌یافته و تقویت شده است. در واقع فرهنگ مافیایی در ایران با ورود تکنولوژی تقویت شده است. به‌عنوان مثال در تمام دنیا حسابدار به نحوی تربیت می‌شود که بتواند جلوی فرار مالیاتی را بگیرد اما در جامعه ما حسابداری تربیت می‌شود که بتواند فرار مالیاتی ایجاد کند. باید توجه داشت مافیا می‌تواند در لباس‌ها و ظواهر مختلف آشکار شود. مافیا محدود به یک ساختار صرف اقتصادی نیست. گاهی اوقات درخصوص ریشه‌کن‌کردن مافیا سخن به میان می‌آید. در این خصوص باید توجه داشت تا زمانی که شفاف‌سازی صورت نگرفته و ردیابی و شناسایی مشخصی از جریانات مافیایی انجام نشده نباید دست به اقدامی زد؛ چراکه ممکن است نظام اجتماعی را به مخاطره بیندازد.

ک یعنی چه؟

ببینید گاهی اوقات تلاش‌هایی برای برخورد با مافیا صورت می‌گیرد و آن مافیا به صورت طبیعی در برابر آن مقاومت می‌کند. این مقاومت ممکن است به شکل‌های مختلف ظاهر شود یا امنیت سیاسی کشور را به مخاطره بیندازد. در این مورد هر اقدامی که صورت می‌گیرد باید احتیجان شفاف باشد که امنیت سیاسی و اقتصادی جامعه به‌هم نخورد؛ چراکه به هر ترتیب مافیای اقتصادی بخشی از نظم اقتصادی را در اختیار دارد. درواقع مبارزه با مافیا، به جای مبارزه مستقیم باید براساس افزایش شفافیت، ایجاد فضای رقابتی، ساخت قوانین کارآمد و… انجام شود.

ک با افزایش تحریم‌های اقتصادی در کشور و به برخی از ساختارها، نهاده‌ها و افراد اختیارات قانونی و فراقانونی برای دورزدن تحریم‌ها داده شد. آیا شرایط سخت اقتصادی باعث افزایش مافیای اقتصادی در ایران نشده است؟ پرسش دیگر این است که سرزشت این بخش‌ها در دوران پس از تحریم‌ها چه خواهد شد و چگونه می‌توان با آن برخورد کرد؟

شواهد و مطالعات من نشان می‌دهد که تحریم‌ها در ایران مافیای اقتصادی را جسورتر کرد. در واقع سود بازارهای سیاه در دوران تحریم‌ها افزایش یافت. زمانی که بانک‌های بزرگ بین‌المللی تن به جرابیم ۱/۵میلیارددلاری می‌دهند این دال بر این است که میزان پولی سودی که از این راه به‌دست می‌آورند بسیار بیشتر از این رقم بوده است. به‌طور کلی تحریم‌های اقتصادی مافیاهای مختلف را به یکدیگر نزدیک کرده است.

به‌شدت این نگرانی وجود دارد که در صورت برداشته‌شدن تحریم‌ها آیا مافیا به‌جای اول خود بازمی‌گردد یا خیر. آنچه مشخص است اینکه فعالیت مافیای اقتصادی پس از شدت‌یافتن تحریم‌ها گسترش یافته است. تحریم‌ها ساختار مافیا را تقویت کرد و دولت به‌دلیل محدودیت‌هایش مجبور بود در بعضی از موارد به این ساختار تکیه کند. در مواردی از قبیل واردات کالاهای اساسی، فروش محصولات و… پدیده بابک زنجانی حاصل این شرایط است. درواقع بابک زنجانی را می‌توان مافیای اقتصادی خواند که زاده و بزرگ‌شده دوران تحریم است. در شرایط تحریم‌ها سود حاصل‌شده از ریسک مافیای اقتصادی بیشتر شده است. جالب است بدانید این فضا، مافیای اقتصادی را به خارج از مرزهای کشور کشانده است.

[۱] ویکیتیکی

[۲] آل‌آچینو این دو نقش را بازی کرده است

خبر

رشد اقتصادی ۲/۸ درصد شد

● **تسنیم:** بانک مرکزی رشد اقتصادی سه‌ماهه سوم ۹۳ را با نفت ۲/۸ درصد و بدون نفت ۲/۵ درصد اعلام کرد. شاخص‌های عمده اقتصادی سه‌ماهه سوم ۹۳ نشان می‌دهد در این تاریخ رشد تولید ناخالص داخلی با نفت ۲/۸ درصد و بدون نفت ۲/۵ درصد بوده است. عملکرد سه‌ماهه سوم ۹۳ (به قیمت جاری) بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه ۲۶۳۲۴۳۸میلیاردریال، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۸۰۴۰۶۲میلیاردریال، هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی ۱۴۲۷۲۱۱میلیاردریال و هزینه‌های مصرفی بخش دولتی ۲۶۶۵۷۷میلیاردریال ثبت شده است. براساس محاسبات مقدماتی و اولیه اداره حساب‌های اقتصادی این بانک، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت‌های ثابت سال۱۳۸۳ که نسبت به رقم مشابه ماه۹ سال۱۳۹۲ به‌میزان ۳/۶ درصد رشد نشان می‌دهد.

آمادگی ناوگان نفتکش ایران برای ورود به بازار اروپا

● **ایسنا:** مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران از رازبازی با کشورهای اروپایی خبر داد و گفت: نهایی‌شدن توافق هسته‌ای ایران، راه را برای ازسرگیری ترده کشتی‌های این شرکت به بازار اروپا باز و هموار خواهد کرد. علی‌اکبر صفایی افزود: هرچند هنوز توافق نهایی امضا نشده و سازوکار لغو تحریم‌ها هم مشخص نشده است اما همین توافق اولیه در تعیین و ترسیم مسیر این شرکت برای ورود به بازارهای بین‌المللی، پیگیری لغو تحریم‌ها و همچنین اقدامات آتی نیز موثر خواهد بود. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران درباره اقدامات این شرکت پس از تحریم افزود: شرکت از مدت‌ها پیش و در راستای مذاکرات هسته‌ای و پیش‌بینی احتمال لغو تحریم‌ها، برنامه‌ریزی‌های لازم را با کشورهای اروپایی برای حمل نفت و تردد در بنادر کلبه کشورها انجام داده است که برای تحقق آن، منتظر امضای توافق نهایی و مشخص شدن زمان و چگونگی لغو کامل تحریم‌ها هستیم. مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران با بیان اینکه در حال حاضر ناوگان این شرکت تنها از بزرگ‌ترین و جوان‌ترین ناوگان‌های حمل مواد نفتی جهان است گفت: این شرکت آمادگی دارد تا مجدداً فعالیت خود را در بازارهای اروپایی از سرگیرد البته برنامه‌ریزی‌ها برای ورود به این بازار به‌گونه‌ای خواهد بود که به حمل نفت خام صادراتی کشور لطمه‌ای وارد نشود.

قیمت مسکن در فصل بهار افزایش نمی‌یابد

● **فارس:** رئیس اتحادیه مشاوران املاک با بیان اینکه تفاهم هسته‌ای در مذاکرات لوزان تأثیری بر بازار مسکن نخواهد داشت، گفت: بازار مسکن در فصل بهار ظرفیت افزایش قیمت ندارد، بنابراین توصیه ما به مردم این است که الان بهترین زمان برای خرید است. حسام عقیابی اظهار کرد: مذاکرات ایران و ۵+۱ و تفاهم صورت‌گرفته (بیانیه سوئیس) در حال حاضر تأثیری بر بازار مسکن نخواهد داشت، اما آنچه می‌توان با قاطعیت در مورد آن و در مورد آینده بازار مسکن در سال۹۴ از آن سخن گفت این است که بازار مسکن در سال‌جاری رونق خواهد گرفت. وی افزود: از نیمه‌دوم ماه جاری و در اردیبهشت‌ماه امسال شاهد افزایش حجم معاملات مسکن خواهیم بود، اما باید اذعان کرد قیمت مسکن در سال۹۴ به آن صورت تغییری نخواهد کرد. عقیابی با بیان اینکه نیمه‌دوم سال‌جاری معاملات مسکن رونق می‌گیرد و بازار مسکن به‌طور قطع از رکود فعلی خارج می‌شود، افزود: در آبان‌ماه سال گذشته بیش از ۸۱هزار مورد معامله در سامانه‌ای رهگیری ثبت شد که این میزان در آذرماه به بیش از ۸۹هزار مورد، در دی‌ماه به بیش از ۱۰۰هزار معامله و در بهمن‌ماه به بیش از ۱۰۳هزار فقره افزایش یافت.

تأثیر توافق نهایی هسته‌ای بر رشد اقتصاد ایران فوری نیست

● **فارس:** خبرگزاری رویترز در مورد تأثیرات تفاهم لوزان بر اقتصاد ایران نوشت: درحالی که در بیانیه لوزان از لغو تدریجی تحریم‌ها بدون زمان‌بندی صحبت شد اما تحلیلگران معتقدند این روند طولانی است و می‌تواند به این معنا باشد که تأثیر فوری توافق نهایی هسته‌ای بر رشد اقتصادی ایران ناچیز خواهد بود. به‌دنبال تفاهم هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در لوزان سوئیس رویترز طی یادداشتی در مورد تأثیرات این تفاهم بر اقتصاد ایران نوشت: ارزش پول ملی و بازار بورس ایران در روزهای نخست مبادلات از زمان انتشار بیانیه لوزان، با افزایش روبه‌رو شد اما اندازه نه چندان بزرگ این افزایش‌ها حاکی از این است که سرمایه‌گذاران انتظار ندارند که اقتصاد ایران به‌سرعت بهبود یابد. در بیانیه این تفاهم اعلام شد که تحریم‌ها به‌تدریج برداشته خواهد شد و هیچ زمان‌بندی‌ای برای آن ارائه نشد؛ از این‌رو تحلیلگران معتقدند این روند سال‌ها به طول می‌انجامد و صادرات نفت ایران احتمالاً تا سال۲۰۱۶ به میزان پیش از تحریم‌ها باز نخواهد گشت. این امر می‌تواند به این معنا باشد که تأثیر فوری توافق نهایی هسته‌ای بر رشد اقتصادی ایران ناچیز خواهد بود.